

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۰۳ دسمبر ۲۰۲۴

خاورمیانه در برزخ بحران‌های شتابزده و فاجعه‌بار!

روزگاری «پلوتارک»، تاریخ‌نگار مشهور یونانی، گفته بود: «هیچ‌کس خاک را گِل نمی‌کند و سپس آن را به حال خودش رها کند؛ و انتظار داشته باشد که به‌صورت اتفاقی به آجر تبدیل شود.»!

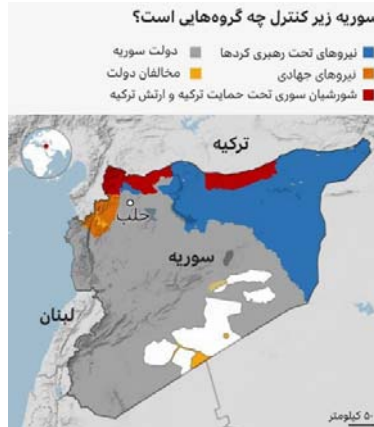
اکنون دیکتاتورهای فاشیست ملی و مذهبی سرمایه‌داری بر جهان حاکمیت دارند طبیعی‌ست که آن‌ها به جهان، از دریاچه منافع اقتصادی خود و کسب سود بیش‌تر با استثمار هرچه شدیدتر نیروی کار و همچنین میل‌تاریسم و جنگ و تروریسم نگاه کنند نه از دریاچه منافع مردم و صلح‌طلبی و رفاه عمومی!

امروز افراد همچون اردوغان و خامنه‌ای و نتانیا‌هو و بن سلمان و السیسی بر بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کشورهای خاورمیانه حکمرانی می‌کنند که شدیداً جنون قدرت‌طلبی، جنگ‌طلبی، تروریسم و گشورگشایی دارند. فراتر از آن‌ها، بیماری مسری ترامپیسم هم جهان را آلوده کرده است.

در چنین وضعیتی، به‌نظر می‌رسد که هیچ نیرویی نمی‌تواند مانع پیشروی فاشیست‌های ملی و مذهبی سیستم‌ها و سرمایه‌داری شود. اما چنین فکری معیوب است و جهان را آن‌طوری که هست نمی‌بیند چرا که جهان امروزی چند بعدی است و گرایش‌های مختلفی برای اداره و مدیریت جهان وجود دارد و تنها فاشیسم ملی و مذهبی و میل‌تاریستی سرمایه‌داری نیست که در جهانی کنونی عرض اندام می‌کند.

جنبش‌های اجتماعی مانند جنبش کارگری کمونیستی، جنبش زنان، جنبش دانشجویی، جنبش محیط زیست، جنبش ضدجنگ، جنبش همجنس‌گرایان و... جنبش‌های آزادی‌خواه و برابری‌طلب و کمونیستی هستند که از قدرت اجتماعی قدرتمندی برخوردار هستند. این جنبش‌های قدرت و نفوذ خود را در جوامع بشری در دو قرن اخیر نشان داده‌اند اما متأسفانه امروز کمی این جنبش‌ها فروکش کرده‌اند و رسماً فاشیسم سر بلند کرده است. حال امروز با روی کار آمدن ترامپیسم، حتی گرایش‌های لیبرالی و پوپولیستی سرمایه‌داری مرده و رسماً پرچم فاشیسم نه دولت حامی سرمایه‌داری بلکه دولت سرمایه‌داران بر جهان سرمایه‌داری حاکم شده است. سرمایه‌داری که کمترین ارزشی به زیست و زندگی انسان‌ها، محیط زیست و طبیعت نمی‌دهند حتی در تلاشند آن بخش از نهاد‌های بین‌المللی که پول‌ساز و سودآور نیستند درشان را تخته کنند. نهادهایی همچون نهاد حقوق بشر سازمان ملل، اقلیمی، یونسکو، کمیساریای پناهندگان، دیوان عالی دادگستری سازمان ملل، خود سازمان ملل و... را تعطیل و یا نقش آن‌ها را حاشیه‌ای کنند.

از روزی که ترامپ در انتخابات آمریکا پیروز شده و هنوز وارد کاخ سفید نشده است به سرمایه‌های سرمایه‌داران بزرگ جهان از جمله ایلان ماسک و خود ترامپ، میلیاردها دلار افزوده شده است؛ و از سوی دیگر، نسل‌کشی در غزه تشدید شده، خیز برداشتن مجدد گروه‌های تروریستی اسلامی مورد حمایت دولت فاشیست ترکیه در سوریه و هار شدن اردوغان و خامنه‌ای و نتانیا‌هو، تحت تاثیر ترامپ‌سیسم قرار دارند.



بیش از یک دهه پس از آغاز اعتراضات ضد دولتی در سوریه، بار دیگر تحولات سریع سوریه در راس خبرگزاری‌های جهان قرار گرفته است. در طول چهار سال گذشته، به‌نظر می‌رسد که جنگ داخلی سوریه عملاً پایان یافته است. اکنون نیروهای وابسته به «هیئت تحریر الشام» (HTS)، با حمایت دولت و ارتش ترکیه احیانا حمایت‌های غیرمستقیم اسرائیل با بمباران‌های هوایی مداوم نیروهای نظامی سوریه و جمهوری اسلامی، به‌سرعت در حال تسخیر شهرها و روستاهای سوریه یکی پس از دیگری است.

اکنون مخالفان سوری در جریان تصرف شهر حلب عکس‌های خامنه‌ای و بشار اسد را به‌زیر کشیده و پاره کردند. همچنین تصویری از کاروان ارتش سوریه در حال فرار از شهر حما منتشر شده است. خبرنگار الجزیره گفت: شهر حما هم به سقوط نزدیک است و احتمالاً تا ساعاتی دیگر سقوط خواهد کرد. اسکای نیوز عربی هم گفت: معارضین اکنون تنها ۱۵ کیلومتر با مرکز شهر حما (در جنوب استان ادلب) فاصله دارند!

در همین حال گزارش شده که ارتش اسرائیل خود را برای مداخله احتمالی در سوریه آماده می‌کند. به گفته شبکه ۱۲ اسرائیل، نتانیا‌هو شب گذشته رایزنی‌های امنیتی اضطراری در خصوص تحولات سوریه انجام داده است. این منبع افزود: هماهنگی نزدیکی میان ارتش اسرائیل و آمریکا برای آمادگی در خصوص احتمال فروپاشی حکومت سوریه و پیامدهای آن وجود دارد.

اگرچه طبق گزارش‌ها، تعداد نیروهای روسی مستقر در سوریه پس از تهاجم تمام عیار روسیه به اوکراین کاهش یافته است، اما روس‌ها، چه نظامیان معمولی روس و چه شبه‌نظامیان وابسته از منطقه چچن واقع جنوب روسیه، هنوز در این کشور حضور دارند.

شمال غرب سوریه هم هنوز در کنترل نیروهای مخالف حکومت سوریه است، اما بسیاری از مردم دمشق بر این باورند که این بخش از کشور توسط یک «اشغالگر» دیگر اداره می‌شود - در این مورد مظنون اصلی ترکیه است که نیروهایی را در آن منطقه مستقر کرده است.

نیروهای تحت رهبری کردها هم بخش عمده شمال شرق سوریه را در اختیار دارند که منابع نفتی این کشور در آن واقع شده است.

سطح زندگی و رفاه مردم سوریه در هر یک از مناطق این کشور متفاوت است. ساکنان مناطق تحت کنترل دولت سوریه از جمله فقیرترین مردم این کشور هستند.

اما اگرچه متحدان خارجی بشار اسد هنوز در صحنه سیاسی این کشور تاثیرگذار هستند، اما او و رژیمش به بازیگرانی همچون روسیه و ایران چشم دوخته‌اند.

جنگنده‌های روسی و سوری روز یکشنبه دومین روز از بمباران‌های گسترده را در مناطق تحت کنترل مخالفان در شمال غرب سوریه انجام دادند. این حملات با هدف عقب راندن شورشیانی صورت گرفت که اخیراً به شهر حلب نفوذ کرده بودند. منابع ارتش سوریه اعلام کردند که این عملیات بخشی از تلاش برای بازپس‌گیری مناطق از دست رفته در درگیری‌های اخیر است.

در شهر ادلب، که یکی از بزرگترین مناطق تحت کنترل مخالفان و نزدیک به مرز ترکیه است، جنگنده‌ها یک منطقه مسکونی شلوغ را هدف قرار دادند. بر اساس گزارش امدادگران حاضر در صحنه، حداقل چهار نفر در این حملات کشته و ده‌ها نفر دیگر زخمی شدند.

ارتش سوریه و همپیمان روسی آن اعلام کرده‌اند که هدف این حملات تنها مخفیگاه‌های گروه‌های شورشی بوده و ادعای حمله به غیرنظامیان را رد کردند. این در حالی است که ساکنان و گروه‌های امدادی می‌گویند این حملات به مناطق مسکونی و غیرنظامی آسیب رسانده است.

در این میان تبهکارانی که قبلاً به النصره معروف بودند و اکنون با نام «هیئت تحریر الشام» (HTS) شناخته می‌شوند، با حمایت ارتش ترکیه و برق‌آسا حلب و اطراف آن در سوریه را به تصرف خود درآوردند. نیروهای حکومتی دمشق و جمهوری اسلامی، بدون هیچ مقاومتی در برابر تبهکاران از شهرک‌ها عقب‌نشینی کردند.



ابومحمد الجولانی، فرمانده تحریر الشام

سوریه بار دیگر در مرکز تنش‌های منطقه‌ای قرار گرفته است؛ حمله گسترده شورشیان به نیروهای دولتی در استان حلب، نشانه‌ای از تشدید مجدد درگیری‌ها و بازگشت سایه سنگین جنگ داخلی به این کشور است. این عملیات، که بزرگترین حمله شورشیان در سال‌های اخیر توصیف شده، بازتاب‌دهنده بحران عمیقی است که همچنان بر سرنوشت سوریه سایه افکنده است. ائتلاف «فتح المبین»، متشکل از گروه‌های متنوع مخالف، در این حمله موفق به پیشروی‌های استراتژیک شده و کنترل مناطقی کلیدی را به دست گرفته است. این تحولات می‌تواند موازنه قدرت را تغییر دهد.

رهبری این ائتلاف با گروه اسلام‌گرای هیئت تحریر الشام (HTS) است که به‌عنوان قدرتمندترین نیروی مخالف در منطقه شناخته می‌شود. این عملیات، اما محدود به هیئت تحریر الشام نیست و شامل گروه‌های متعددی از شورشیان می‌شود که طیف متنوعی از اسلام‌گرایان میانه‌رو تا گروه‌های ملی‌گرای سکولار را در بر می‌گیرد. از جمله گروه‌های

مشارکت‌کننده در این عملیات می‌توان به احرار الشام، جبهه آزادی‌بخش ملی، جیش العزه و الجبهه الشامیه اشاره کرد. همچنین برخی منابع از حضور شبه نظامیانی از گروه‌های سکولار وابسته به ارتش ملی سوریه خبر داده‌اند. با این حال، ارتش ملی سوریه به‌رغم حمایت لفظی از این عملیات، به دلیل نفوذ ترکیه، به‌صورت رسمی مشارکت خود را تأیید نکرده است.

تصاویر ویدیویی که توسط گروه وابسته به هیئت تحریر شام منتشر شده است، اسلام‌گرایان مخالف دولت سوریه را در فرودگاه بین‌المللی حلب نشان می‌دهد.

تصرف فرودگاه حلب اهمیت زیادی دارد، نه تنها به دلیل ارزش استراتژیک آن، بلکه به‌عنوان نشانه‌ای از میزان پیشروی مخالفان به داخل حلب از زمانی که آن‌ها به این شهر در شب گذشته وارد شدند.

در این ویدیو، مردی که به‌عنوان فرمانده نظامی به نام «ابو مالک الشامی» شناخته می‌شود، در مقابل دوربین در مقابل ترمینال اصلی صحبت می‌کند. شبه‌نظامیان دیگری نیز گه‌گاه در پس‌زمینه دیده می‌شوند.

پیش از این، ویدیویی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که نشان می‌داد گروهی از مردان مسلح در فرودگاه حضور دارند، هرچند که مشخص نبود که این گروه متعلق به کدام طرف است.

همزمان وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران «تعرض» به سرکنسولگری خود در حلب را محکوم کرده است، اما می‌گوید کارکنان کنسولگری در سلامت هستند.

گروهی متشکل از نیروهای مخالف دولت سوریه و تحت حمایت ترکیه، به منطقه تل رفعت باعث تشدید تنش‌ها در مناطق کردنشین شمال سوریه شده است. این حملات که تحت عنوان عملیات «سپیده‌دم آزادی» آغاز شده، به گفته منابع مختلف، موجب محاصره کامل منطقه تل رفعت و کنترل تعدادی از روستاهای اطراف آن توسط این نیروها شده است. در واکنش به این تحولات، مدیریت خودگردان شمال و شرق سوریه اعلام بسیج عمومی کرده و جامعه بین‌المللی را به مداخله فراخوانده است.

به گزارش خبرگزاری آنادولو، ارتش ملی سوریه با هدف جلوگیری از تقویت کنترل کردها بر منطقه تل رفعت و منبج، عملیات گسترده‌ای را در این منطقه آغاز کرده است. تل رفعت که در فاصله ۱۸ کیلومتری مرز ترکیه قرار دارد، طی هشت سال گذشته تحت کنترل نیروهای کرد بوده است. در جریان این حملات، ارتش ملی سوریه ادعا کرده بر مناطق مهمی از جمله فرودگاه‌های کویروس و منغ و چندین روستا و ارتفاعات استراتژیک مسلط شده است.



نورشن حسن نماینده اداره خودگردان شمال و شرق سوریه در باشور کوردستان

در این میان، مدیریت خودگردان شمال و شرق سوریه در واکنش به این حملات، با برگزاری کنفرانسی در رقه، ضمن محکوم کردن شدید این اقدامات، وضعیت بسیج عمومی اعلام کرده است. در این بیانیه آمده است که این حملات تنها

یک منطقه خاص را هدف قرار نمی‌دهد، بلکه تهدیدی برای تمام سوریه محسوب می‌شود و تلاش‌هایی برای از بین بردن امید مردم سوریه به زندگی آزادانه و با عزت است.

مدیریت خودگردان از تمامی اقشار مردم، از جمله عرب‌ها، کردها، سریانی‌ها و ترکمن‌ها، خواسته است که در مقابله با این حملات متحد شوند. همچنین، جوانان منطقه به پیوستن به نیروهای دموکراتیک سوریه (QSD) برای دفاع از آزادی و کرامت دعوت شده‌اند.

مدیریت خودگردان در بیانیه‌ای از جامعه بین‌المللی خواسته است که هرچه سریع‌تر برای متوقف کردن این حملات اقدام کند. در این بیانیه هشدار داده شده است که ادامه این وضعیت می‌تواند منجر به یک فاجعه انسانی بزرگ و تهدیدی برای کل سوریه و حتی جهان شود. همچنین، نسبت به ظهور دوباره تروریسم با شکل و شمایی جدید هشدار داده شده است. به گزارش منابع محلی، حملات به تل رفعت موجب تخلیه گسترده غیرنظامیان از این منطقه شده است. خبرگزاری ANHA گزارش داده است که از زمان شروع حملات هیئت تحریر الشام در مناطق اطراف حلب، بیش از ۲۸۹۲ نفر به مناطق تحت کنترل مدیریت خودگردان پناه برده‌اند که ۲۱۵۸ نفر از آنان دانش‌آموز هستند.

به گفته «فهم تاشتکین»، کارشناس مسائل خاورمیانه، حملات به تل رفعت بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر برای تضعیف موقعیت کردها در شمال سوریه است. وی در تحلیل خود تأکید کرده است که این وضعیت می‌تواند منجر به گسترش درگیری‌ها از محله‌های کردنشین حلب تا تل رفعت شود. او همچنین اشاره کرده است که ترکیه با حمایت از این حملات، به دنبال گسترش نفوذ خود در منطقه و پیشبرد اهداف ملی‌گرایانه خود است.

در پی تشدید درگیری‌ها، حاکن فیدان، وزیر امور خارجه ترکیه، با آنتونی بلینکن، هم‌تای آمریکایی خود، تلفنی گفت‌وگو کرده است. طبق گزارش آنادولو، فیدان تأکید کرده است ترکیه با هرگونه اقدامی که موجب بی‌ثباتی در منطقه شود مخالف است و بر ضرورت کاهش تنش‌ها در سوریه تأکید کرده است. وی همچنین اعلام کرده است که ترکیه اجازه نخواهد داد هیچ‌گونه فعالیت تروریستی علیه خود یا غیرنظامیان سوری انجام شود.

حزب برابری و دموکراسی (DEM) ترکیه با انتشار بیانیه‌ای نسبت به افزایش درگیری‌ها در تل رفعت و حلب هشدار داده و از جامعه ملی و بین‌المللی خواسته است که در برابر تهدید کشتار گسترده در این مناطق سکوت نکنند.

در این بیانیه آمده است که حملات نیروهای ارتش ملی سوریه (SMO) که تحت حمایت ترکیه فعالیت می‌کنند، زندگی هزاران نفر از مردم تل رفعت و حلب را به خطر انداخته است. حزب برابری و دموکراسی تأکید کرده است که به ویژه ده‌ها هزار نفری که به تل رفعت پناه برده‌اند و همچنین ساکنان بومی منطقه، مستقیماً هدف این حملات قرار گرفته‌اند.

حزب در بیانیه خود اعلام کرده است: «در روزهای اخیر و به دنبال تشدید درگیری‌ها در سوریه، مردم تل رفعت و حلب که تسلیم نیروهای مهاجم نشده‌اند، از جمله کردها، عرب‌ها و دیگر اقوام منطقه، با تهدید جدی کشتار روبرو هستند. این حملات جان هزاران نفر از ساکنان منطقه و پناهجویان را به خطر انداخته است.»

این حزب در ادامه بیانیه خود از تمامی گروه‌ها، از جمله نیروهای سیاسی، حامیان دموکراسی، مخالفان جنگ، مدافعان حقوق بشر، سازمان‌های جامعه مدنی و همچنین نهادها و سازمان‌های بین‌المللی خواسته است که نسبت به این وضعیت واکنش نشان داده و با افزایش فشار بر مهاجمان، از گسترش این بحران انسانی جلوگیری کنند.

این حزب خواستار آن شده است که همه ی نیروهای دموکراتیک هم صدا شوند تا از وقوع کشتار و تهدیدهای بیشتر علیه مردم جلوگیری شود. این حزب در پایان، بار دیگر تأکید کرده است که جامعه بین‌المللی و سازمان‌های حقوق بشری نباید در برابر این بحران انسانی بی‌تفاوت بمانند و باید اقدامات فوری برای جلوگیری از ادامه این حملات انجام دهند.



یگان‌های مدافع زنان (ی پ ژ) - روزآوا

دمهات تولهدان، روزنامه‌نگار منطقه در مورد حملات مورد بحث با خبرگزاری «فرات نیوز» این‌چنین گفته است: «هیچ مقاومتی در برابر آن‌ها وجود ندارد، نیروهای رژیم و روسیه همه جا را برای این تبهکاران خالی کرده‌اند.» تولهدان با اشاره به این‌که تبهکاران با آمادگی فراوان این حمله را انجام دادند، تصریح کرد که با این حمله، هسته‌های خوابیده در مناطق تحت کنترل نیروهای دولتی دمشق نیز وارد عمل شدند.

تولهدان با به اشتراک گذاشتن اطلاعات در مورد محله‌هایی که کردها در حلب در آن زندگی می‌کنند، گفت که کردها از سیستم خود محافظت کردند و در موضع خوددفاعی قرار گرفته‌اند. تولهدان گفت: «حملات تبهکاران صورت گرفت، اما مردم با خوددفاعی این حملات را ناکام گذاشتند.» وی با بیان این‌که هیچ حمله‌ای جز این حملات صورت نگرفته و این تبهکاران به خطوط شهبای و الباب حمله کردند، خاطر نشان کرد که تمام نقاط حلب به جز مناطقی که کردها در آن زندگی می‌کنند در کنترل این تبهکاران است.

تولهدان با بیان این‌که افرادی که از تبهکاران می‌ترسند به محله‌های کوردنشین و مناطق خودمدیریتی پناه می‌برند، گفت: «به دلیل اختلافات مذهبی، این افراد نمی‌توانند در مناطق تحت کنترل تبهکاران زندگی کنند. دمهات تولهدان با بیان اینکه دولت ترکیه به‌طور غیرمستقیم مسئولیت این حملات را بر عهده گرفته است، تهدیدات ترکیه مبنی بر «اگر سوریه رامحل را نپذیرد، منطقه آشفته‌تر خواهد شد» را به‌عنوان پذیرش مسئولیتش نسبت به حملات جاری توصیف کرد. تولهدان با اشاره به تجهیزات تسلیحاتی این تبهکاران تاکید کرد که بدیهی است که این تبهکاران توسط دولت ترکیه آموزش دیده‌اند، افزود که از سیستم‌های دید در شب حرارتی گرفته تا هواپیماهای انتحاری آشکار است که این تبهکاران توسط دولت ترکیه آموزش دیده و مجهز شده‌اند.

وی همچنین توضیح داد که این تبهکاران توسط سازمان استخباراتی ترکیه (MIT) آموزش دیده‌اند و گفت: «آن‌ها نام تیمی را که از پهبادهای انتحاری استفاده می‌کنند «گروه شاهین» گذاشته‌اند، اما در زبان عربی اصطلاحی به نام شاهین وجود ندارد. ظاهراً حتی دولت ترکیه نیز این نام را گذاشته است. این گروه معمولاً به این‌گونه حملات اسامی اسلامی می‌دهند، اما حتی نام این حملات نیز اسلامی نیست. مشخص است که تمام برنامه‌ریزی‌ها توسط دولت ترکیه انجام شده و این برنامه‌ریزی در مقابل تبهکاران قرار داده شده است. علاوه بر این، این تبهکاران بدون قدرت پشتیبانی نمی‌توانند به جایی حمله کنند. بدیهی است که دولت ترکیه این حملات را با سوءاستفاده از تغییرات موازنات منطقه انجام داده است.»

تولهدان با بیان این‌که این حملات نمی‌تواند مستقل از ناتو و آمریکا باشد، به بیانیه آمریکا که موازی با ترکیه است، اشاره کرد. دمهات تولهدان با بیان این‌که دولت ترکیه با ماموریت ناتو هدایت این تبهکاران را بر عهده دارد، گفت:

«وظیفه کنترل این گروه‌های جهادی و دریافت مهاجران سوری به ترکیه واگذار شده است، اما ترکیه هم وظیفه ناتو را انجام می‌دهد و هم از این تبهکاران مطابق با برنامه‌های خودش استفاده می‌کند.»

دمهات توله‌دان ارزیابی کرد که احتمالاً آمریکا در راستای منافع خود و به دلیل تضعیف روسیه در منطقه به چنین حمله‌ای چراغ سبز نشان داده است و تاکید کرد که چنین حمله‌ای ممکن است برای «امنیت اسرائیل» انجام شده باشد. توله‌دان با اشاره به این‌که روسیه و ایران هم در درگیری‌های منطقه‌ای و هم در جنگ روسیه و اوکراین ضعیف شده‌اند، گفت: «روسیه بیش‌تر قدرت فنی خود را به اوکراین کشید و تضعیف شد و ایران نیز در درگیری‌های منطقه‌ای آسیب جدی دید.» توله‌دان با بیان این‌که ایران و روسیه دست از این منطقه برنمی‌دارند، خاطرنشان کرد که آن‌ها به‌نوعی می‌خواهند مداخله کنند اما در شرایط فعلی به دلیل تضعیف‌شان نمی‌توانند مداخله کنند.

دمهات توله‌دان با اشاره به تهدیدات منطقه برای کردها گفت که دولت ترکیه می‌خواهد تبهکاران را به حمله به کردها وادار کند. توله‌دان با یادآوری حملات داعش به کردها هشدار داد: «در سال ۲۰۱۴ گفته شد که داعش به دمشق حمله خواهد کرد. اما آن‌ها تبهکاران را وادار کردند به کردها حمله کنند. از نظر تاریخی این‌گونه است، کسانی که داعش را وادار به حمله به کردها کردند، اکنون همان این گروه را به حمله به کردها وادار خواهند کرد. کسانی که می‌گویند تبهکاران به کردها حمله نمی‌کنند، اشتباه می‌کنند. آن‌ها در واقع شروع کرده‌اند به هدف قرار دادن ترفعت و مردم عرب که زندگی مشترک با کردها را مبنا قرار می‌دهند. دولت ترکیه برای تبدیل این موضوع به یک مزیت، تبهکاران را به حمله به مناطقی که کردها در آن زندگی می‌کنند وادار خواهد کرد.»

توله‌دان با یادآوری «انقلاب روژاوا» که توسط مبارزات مشترک مردم ایجاد شد، خاطرنشان کرد که خطر مشابهی وجود دارد و باید به همین ترتیب مقاومت کرد. توله‌دان با اشاره به این‌که مشکلات منطقه با نظام مبتنی بر ملت دموکراتیک قابل حل است، گفت: «مقاومت روحیه ملی کردها را نیز تقویت می‌کند و باید با روحیه بسیج عمومی در مقابل حملات تبهکاران مقاومت کرد. تنها راه حفاظت از دستاوردهای انقلاب روژاوا مقاومت با روحیه بسیج عمومی است.»

این اتفاق هم‌زمان با اعتراضات بخشی از مردم در شهر حمص رخ داد، جایی که هزاران نفر به خیابان‌ها آمدند و شعارهایی علیه رژیم اسد سر دادند.

در دمشق نیز درگیری‌های شدید میان نیروهای دولتی و مخالفان گزارش شده است. منابع محلی از افزایش تنش‌ها در پایتخت و احتمال گسترش درگیری‌ها به مناطق دیگر خبر داده‌اند.

شهر خان العسل، که در ۳ کیلومتری غرب شهر حلب قرار دارد، پس از نبردهای شدید به کنترل نیروهای مخالف درآمد. این شهر به‌دلیل نزدیکی‌اش به مراکز استراتژیک حلب، اهمیت ویژه‌ای دارد. منابع میدانی گزارش داده‌اند که ارتش سوریه با حمایت روسیه و ایران، قادر به حفظ این منطقه در برابر هجوم سنگین مخالفان نبوده و مجبور به عقب‌نشینی شده است. این شکست، سؤالات جدی درباره توانایی ارتش سوریه در دفاع از مناطق حساس ایجاد کرده است.

در همین حال هزاران نفر از نیروی قدس سپاه پاسداران و شبه‌نظامیان عراقی عضو گروه‌های تحت حمایت جمهوری اسلامی برای مقابله با شورشیان مسلح حکومت سوریه راهی این کشور شده‌اند.

دو منبع آگاه از گروه‌های شبه‌نظامی عراقی تحت حمایت جمهوری اسلامی به رادیو فردا گفتند که هزاران تن از نیروهای وابسته به نیروی قدس، شامگاه پنج‌شنبه ۹ آذر با عبور از مرز شملچه وارد بغداد شدند.

به گفته منابع، این نیروها در جاده بصره-بغداد، به هزاران تن از نیروهای دو گروه شبه‌نظامی کتائب حزب‌الله و النجبا پیوستند و سپس حرکت به سوی مرزهای سوریه را آغاز کردند.

این در حالی‌ست که با وجود حملات هوایی روسیه به شورشیان اما روند پیشروی آنها سریع است. تصاویری از تصرف کنسولگری جمهوری اسلامی در حلب و همچنین یک ساختمان وابسته به نیروهای تحت حمایت سپاه پاسداران در این شهر توسط شورشیان مسلح منتشر شده است.

سرتیپ پاسدار کیومرث پورهاشمی، که سپاه پاسداران او را یکی از مستشاران نظامی ارشد در سوریه معرفی کرده یکی از کشته‌شدگان در درگیری‌های اخیر حلب است.

سایت امنیتی بولتن نیوز نوشت: تحولات اخیر در شمال سوریه به‌ویژه در حومه حلب، نشان‌دهنده تغییرات چشمگیری در توازن قدرت است. شکست ارتش سوریه و عقب‌نشینی از مناطق کلیدی مانند خان العسل و خان طومان، به‌همراه پیشروی سریع نیروهای مخالف، چشم‌انداز جدیدی برای این منطقه ترسیم کرده است. این تحولات نهایتاً نتیجه ضعف تاکتیکی ارتش سوریه است، بلکه نشان از پیچیدگی معادلات منطقه‌ای و نقش بازیگران خارجی دارد.

بولتن نیوزمی‌افزاید: در ادامه این تحولات، خان طومان، یکی از پایگاه‌های کلیدی ارتش سوریه، به دست مخالفان افتاد. این شهرک به‌دلیل موقعیت جغرافیایی خود در تأمین خطوط تدارکاتی نیروهای دولتی اهمیت بسیاری داشت. رسانه‌های مخالف اعلام کرده‌اند که عملیات آزادسازی این منطقه، با نبردهای شدید و درگیری‌های بی‌وقفه ۳۶ ساعته همراه بوده است. سقوط خان طومان به‌عنوان یک شکست استراتژیک برای دمشق تلقی می‌شود.

حضور نیروهای خارجی از جمله سپاه قدس ایران، فاطمیون، حیدریون و حشدالشعبی عراق در کنار ارتش سوریه، نشان‌دهنده اهمیت استراتژیک نبرد حلب برای محور مقاومت است. از سوی دیگر، عبدالقادر الکربلانی، فرمانده گروه عراقی النجباء، مدعی شده است که عملیات اخیر مخالفان به تحریک اسراییل انجام شده و گروه عراقی النجباء نیروهای خود را برای مقابله به سوریه اعزام کرده است.

یک کارشناس حکومتی با تأکید بر این‌که هدف نهایی شورشیان ضربه به محور مقاومت است گفت: این هدف هم مورد علاقه اسرائیل و هم متحدین غربی آنهاست که ترجیح می‌دهد تا قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه کاهش پیدا کند.

او افزود: این یک مسئله تاکتیکی نیست که بتوان گفت یک شهر در حال سقوط است، در واقع یک مسئله راهبردی در جریان است که به بازی قدرت‌های بزرگ و نیت و اهداف آنها بازمی‌گردد. اگر محور مقاومت برای این مسئله چاره اندیشی عاجلی نکند، موجودیت نظام سوریه و متحدانش در معرض تهدید قرار می‌گیرد.

دولت ترکیه، حدود یک دهه پیش گروه‌های شبه‌نظامی اسلامی همچون داعش و ارتش آزاد سوریه و القاعده و شاخه‌هایی از آن را به امید رسیدن آنها به دمشق و سرنگونی دولت، با توپ و تانک و فرماندهان نظامی ترک‌ها راهی سوریه کردند. از سوی دیگر، آنها بتوانند خودگردان دموکراتیک روژآوا (کردستان سوریه) را به شکست بکشانند.

خبرنگار «العربییه» گزارش داد پس از درگیری‌های شدید با نیروهای دموکراتیک سوریه (قسد)، گروه‌های مسلح تحت حمایت ترکیه روز یکشنبه کنترل شهر نل رفعت در شمال حلب را به دست گرفتند.

همزمان، «هیئت تحریر شام» و گروه‌های مسلح متحد آن اعلام کردند که در شهر حلب از ساعت ۷ شب تا ۷ صبح منع رفت‌وآمد برقرار خواهد بود. همچنین آنها به نیروهای قسد پیشنهاد داده‌اند که شهر حلب را «به‌طور امن» ترک کنند.

هیئت تحریر شام و گروه‌های مسلح متحد آن کنترل کامل شهر حلب را، به جز دو منطقه تحت تسلط نیروهای دموکراتیک سوریه، به دست گرفتند و بخش‌های بیشتری از حومه شهر را تصرف کردند.

وی همچنین اضافه کرد که بیش از ۳۰۰ هزار آواره گرد در این منطقه حضور دارند. «هیئت تحریر شام» و گروه‌های مسلح متحد آن کنترل کامل شهر حلب را، به جز دو منطقه تحت تسلط «نیروهای دموکراتیک سوریه»، به دست گرفتند و بخش‌های بیش‌تری از حومه شهر را تصرف کردند.



پاره کردن تصاویر خامنه‌ای در خیابان‌های حلب

همزمان، درگیری‌های شدید در محورهای تل رفعت در شمال استان حلب گزارش شده است. رامی عبدالرحمن، مدیر «دیدبان حقوق بشر سوریه»، روز یکشنبه به «العربییه» گفت درگیری‌های سنگینی میان دو طرف در تل رفعت رخ داده است. این شهر تحت کنترل نیروهای دموکراتیک سوریه موسوم به «قسد» است و به گفته عبدالرحمن، گروه‌های مسلح «تحت حمایت ترکیه» با نیروهای قسد در این منطقه درگیر شده‌اند.

خبرنگار العربیه گزارش داد که گروه‌های مسلح موفق به قطع مسیر میان دو شهر منبج و تل رفعت شده‌اند و به‌منظر می‌رسد این اقدام برای محاصره شهر تل رفعت و نیروهای قسد در داخل آن انجام شده است.

بر اساس این گزارش، هیئت تحریر شام در این درگیری‌ها شرکت ندارد و «تنها گروه‌های مسلح تحت حمایت ترکیه» در عملیاتی تحت عنوان «فجر آزادی» در این نبردها حضور دارند.

تحولات میدانی پس از هشدار ترکیه به نیروهای کرد درباره «سوءاستفاده از عقب‌نشینی نیروهای ارتش سوریه» از مواضع خود در حلب شدت گرفت. به گزارش «رویترز»، منابع امنیتی ترکیه می‌گویند که نیروهای قسد در تلاش برای ایجاد یک گذرگاه میان تل رفعت (شمال غربی حلب) و مناطق شمال شرقی سوریه هستند. این منابع مدعی شدند «ارتش ملی سوریه» که با عنوان «ارتش آزاد» نیز شناخته می‌شود و تحت حمایت ترکیه است، مسیر میان شهرهای الرقه (در شمال شرق سوریه) و حلب را مسدود کرده است.

مظلوم عبدی فرمانده کل نیروهای سوریه دموکراتیک (قسد) با بیان این‌که مقاومت نیروهای سوریه دموکراتیک ادامه دارد، گفت: «وظیفه اصلی ما حفاظت از مردم است.»

مظلوم عبدی فرمانده کل نیروهای سوریه دموکراتیک در حساب کاربری خود در شبکه‌های اجتماعی درباره درگیری‌ها در سوریه بیانه‌ای ارائه کرد. مظلوم عبدی توضیح داد که پس از شکست ارتش سوریه و متحدانش، آن‌ها در تلاشند تا یک کریدور بشردوستانه برای حفاظت از مردم باز کنند.



مظلوم عبدی فرمانده کل نیروهای سوریه دموکراتیک

مظلوم عبدی گفت: «نیروهای ما قهرمانانه از مردم ما در حلب، تل رفعت و شهباء دفاع کردند. اما حملات گروه‌های مسلحی که توسط دولت اشغالگر ترکیه حمایت می‌شوند، کریدور انسانی را که می‌خواهیم بین مناطق شرقی خود و این مناطق ایجاد کنیم، قطع کرد.»

مظلوم عبدی تصریح کرد: «تلاش می‌کنیم با همه طرف‌های فعال در سوریه ارتباط برقرار کنیم تا امنیت مردم تامین شود و آنها از تل رفعت و شهباء به مناطق امن در شمال شرق سوریه منتقل شوند.»

عبدی از ادامه مقاومت نیروهای آنها در محله‌های کوردی حلب خبر داد و گفت: «وظیفه اصلی ما حفاظت از مردم است و مردم خود را در این روند دشوار تنها نخواهیم گذاشت.»

مظلوم عبدی خواستار حمایت گسترده جامعه جهانی شد و تصریح کرد که باید برای امنیت مردم گام‌های فوری برداشته شود.

هیئت تحریر شام ابتدا در سال ۲۰۱۱ با نام «جبهه نصرت» تاسیس شد و مستقیماً وابسته به القاعده بود. ابوبکر بغدادی، رهبر گروه موسوم به دولت اسلامی (داعش)، نیز در تشکیل آن نقش داشت.

جبهه نصرت در آن زمان به‌عنوان یکی از موثرترین و مرگبارترین گروه‌های مخالف دولت بشار اسد، رئیس جمهوری سوریه، شناخته می‌شد.

اما نیروی محرک اصلی آن بیش از آن، ایدئولوژی اسلام‌گرایانه افراطی بود و در دوره اعتراضات و جنگ داخلی سوریه، با ائتلاف اصلی شورشیان که زیر پرچم «سوریه آزاد» می‌جنگیدند، اختلاف داشت.

در سال ۲۰۱۶ ابومحمد جولانی، رهبر این گروه، روابط خود را به صورت علنی با القاعده قطع کرد، جبهه نصرت را منحل کرد و سازمان جدیدی تشکیل داد که یک سال بعد با ادغام با چند گروه مشابه، نام «هیئت تحریر شام» را به خود گرفت.

حکومت بشار اسد در شهرهای بزرگ و مهم کشور اساساً بی‌رقیب بود، در حالی که برخی مناطق دیگر سوریه از کنترل مستقیم او خارج مانده بودند.

این مناطق شامل نواحی عمدتاً کردنشین در شرق است که از سال‌های اولیه درگیری‌ها کمابیش از کنترل دولت سوریه خارج بوده‌اند.

در جنوب کشور، جایی که انقلاب علیه حکومت بشار اسد در سال ۲۰۱۱ از آنجا آغاز شد، ناآرامی‌هایی به صورت پیوسته، اما محدود و پراکنده، وجود داشته است.

در صحرای وسیع سوریه (بیابان شام)، بازمانده‌های گروهی که خود را دولت اسلامی می‌نامد همچنان تهدیدی امنیتی به شمار می‌آیند، به ویژه در فصل جستجو و جمع‌آوری قارچ ترافل که مردم برای یافتن این محصول پرسود به این مناطق می‌روند.

در شمال غرب کشور، استان ادلب تحت کنترل گروه‌های اسلامی افراطی و شورشی قرار داشته که در اوج جنگ به این منطقه رانده شدند.

نیروی غالب در ادلب، همان هیئت تحریر شام است که حمله ناگهانی به حلب را رهبری و هدایت کرده است. در طول سال‌ها، ادلب میدان نبردی باقی ماند که در آن نیروهای دولتی سوریه تلاش می‌کردند کنترل آن را پس گیرند. اما توافق آتش‌بسی که در سال ۲۰۲۰ با میانجی‌گری روسیه به‌عنوان متحد کلیدی اسد و ترکیه در نقش حامی شورشیان به دست آمد، تا حد زیادی برقرار بوده است.

حدود چهار میلیون نفر در این منطقه زندگی می‌کنند که بیش‌تر آن‌ها از شهرها و مناطقی آواره شده‌اند که نیروهای اسد در جنگ‌های فرسایشی و مرگبار از شورشیان بازپس گرفته‌اند.

حلب یکی از خونین‌ترین میدان‌های نبرد سوریه بود و یکی از بزرگترین شکست‌های شورشیان را رقم زد. برای پیروزی در این نبرد، اسد به قدرت هوایی روسیه و کمک نظامی ایران روی زمین - عمدتاً از طریق شبه‌نظامیان مورد حمایت ایران - تکیه داشت. حزب‌الله لبنان هم یکی از این گروه‌ها بود.

تردیدی نیست که شکست‌های اخیر حزب‌الله از اسرائیل در داخل لبنان، هم‌زمان با حملات اسرائیل علیه فرماندهان نظامی جمهوری ایران در سوریه، نقش مهمی در تصمیم گروه‌های جهادی و شورشی ادلب برای حرکت ناگهانی و غیرمنتظره به سمت حلب داشته است.

دولت و ارتش و نیروهای امنیتی ترکیه در سال ۲۰۱۷ گروه‌های شبه‌نظامی تحت حمایت خود را زیر عنوان «ارتش ملی سوریه» گرد هم آورد. این گروه‌ها پیش از آن به نام ارتش آزاد سوریه شناخته می‌شدند.

ارتش ملی سوریه شامل گروه‌هایی است که مستقیماً با ارتش یا سازمان اطلاعات ترکیه در ارتباط هستند، مانند تیپ سلطان مراد، و همچنین گروه‌هایی که با اخوان المسلمین و قطر پیوند دارند.

مینا لامی از بخش مانیتورینگ بی‌بی‌سی می‌گوید: «تا آن‌جا که ما اطلاع داریم، این گروه‌ها با گروه‌های جهادی همکاری نمی‌کنند، اما قطعاً در راستای اهداف، اولویت‌ها و جاه‌طلبی‌های ترکیه در منطقه فعالیت می‌کنند. به همین دلیل، آنها به شدت مخالف نیروهای دموکراتیک سوریه به رهبری کردها و همچنین نیروهای دولتی سوریه هستند.»

در حال حاضر، ارتش ملی سوریه با پشتیبانی ترکیه، مناطقی از عفرین تا جرابلس در غرب رود فرات و از تل ابیض تا رأس العین در شرق را تحت کنترل دارد.

ارتش ملی سوریه بخشی از ساختار اداری موسوم به «دولت موقت سوریه» است و دولت و ارتش ترکیه نیز نقش قابل توجهی در این منطقه ایفا می‌کنند.

طبق گزارش عفو بین‌الملل، بیش از پنج سال پس از شکست داعش، ده‌ها هزار نفر همچنان در بازداشت به سر می‌برند. تخمین زده می‌شود حدود ۱۱۵۰۰ مرد، ۱۴۵۰۰ زن و ۳۰۰۰۰ کودک در حداقل ۲۷ مرکز بازداشت و دو اردوگاه الهول و روج نگهداری می‌شوند.



جنگجویان گروه هیئت تحریر الشام در سوریه. عکس از arabwall.com

در همین حال، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی نیز پس از ورود به آنکارا با اشاره به پیشروی مخالفان اسد در مناطق مختلف سوریه مدعی شد که دولت و ارتش سوریه "قادرند با آنها مقابله کنند. عراقچی افزود: «البته گروه‌های مقاومت هم کمک می‌کنند؛ جمهوری اسلامی هم هر کمکی که لازم باشد انجام خواهد داد.»

افزون بر این متیو میلر، سخنگوی وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا از گفت‌وگوی آنتونی بلینکن وزیر خارجه این کشور، با هاکان فیدان، وزیر خارجه ترکیه در خصوص تحولات سوریه خبر داد.

در بیانیه وزارت امور خارجه ایالات متحده آمده است که بلینکن و فیدان در این گفت‌وگو بر ضرورت کاهش تنش‌ها و نیز حفاظت از جان شهروندان غیرنظامی و زیرساخت‌ها در حلب و سایر مناطق تاکید کرده‌اند.

همزمان با تحولات میدانی در سوریه پس از تصرف شهرها و مناطق استراتژیک از سوی مخالفان سوری از جمله گروه جهادگرای هیئت تحریر الشام (HTS)، دیده‌بان حقوق بشر سوریه خبر داد که در جریان حمله پهبادی ترکیه به یک خودرو در اطراف قامشلی واقع در استان حسکه سوریه، سه نیروی نظامی نیروهای دموکراتیک سوریه جان خود را از دست دادند.

بر اساس این گزارش از ابتدای سال ۲۰۲۴ میلادی تا کنون، نیروی هوایی ترکیه ۱۸۸ مورد حمله به منطقه اداره خودگردان شمال و شرق سوریه صورت داده که این حملات در ده‌ها کشته و صدها زخمی بر جای گذاشته است. از دیگر سو، خیرگزاری رویترز با انتشار گزارشی به نقل از منابع خبری روسی نوشت که روسیه در پی پیشروی‌های گروه‌های مخالف اسد در حلب، سرگئی کیسیل فرمانده عملیاتی نیروهای این کشور در سوریه را عزل کرده است. گزارش‌های تایید نشده در این زمینه حاکی از آن است که الکساندر چایکو به سمت فرمانده جدید نیروهای روسیه در سوریه انتخاب شده است.

در تازه‌ترین تحولات میدانی جنگ سوریه گروه امداد مخالفان سوری موسوم به کلاسه‌فیدها روز یکشنبه ۱ دسامبر ۱۱- (آذر) از کشته‌شدن دست‌کم ۲۵ نفر در شمال غربی سوریه در جریان حملات هوایی دولت سوریه و روسیه خبر داد. وزارت دفاع دولت سوریه نیز با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که در پی حملات مشترک روسیه و سوریه در اطراف ادلب، ده‌ها خودروی حامل مهمات متعلق به نیروهای ضددولتی منهدم شده‌اند.

در سال و ماه‌های گذشته، اردوغان مصرانه می‌خواست با اسد ملاقات کند و او را وادار به پذیرش شرایطش کند. اسد با این موضوع موافقت نکرد. وی از آن‌ها خواست تا از میانجی‌گری روسیه برای دریافت وعده خروج از سوریه و تعیین جدول زمانی استفاده کنند. اما ترکیه نیز با این موضوع موافقت نکرد. اردوغان وضعیت ایران و روسیه را می‌بیند. او

از این فرصت استفاده کرد و النصره و نیروهایش را بسیج کرد. پیام او به دمشق روشن است. اگر با من موافق نباشید، راه را برای حملات هموار خواهم کرد.

غیرممکن است که النصره بدون اطلاع ترکیه دست به چنین حمله‌ای بزند. قدرت‌های دیگری هم هستند که می‌خواهند سوریه، ایران و روسیه را تحت فشار قرار دهند. معلوم است که مورد تشویق و تایید آن‌ها قرار گرفته‌اند. از یک طرف می‌گویند سوریه غرق خون است و باید مشکلات را با روش‌های سیاسی حل کرد و از طرف دیگر درها به روی ویرانی و مرگ باز می‌شود. واضح است که ترکیه خواهان جنگ و ویرانی است. روزاوا و کردها با گفتن «هرگز اجازه نمی‌دهیم تروریست‌ها در یک راهروی تروریستی مستقر شوند» تهدید می‌شوند و طرح‌های اشغالگری و پاکسازی ملی در حال انجام است. نیروهای فعلی در حالی که کردها در معرض تهدید و حملات جدی قرار داشتند سکوت کردند. آمریکا و روسیه حتی اجازه حملات هوایی را به ترکیه دادند.

واقعیتی وجود دارد که نباید فراموش کرد که یک حکومت نژادپرست، فاشیست و توسعه‌طلب حزب عدالت و توسعه و حزب حرکت ملی (آکپ-م‌پ) در ترکیه وجود دارد. این دولت در داخل بسیار ضعیف شده است. برای افزایش عمر و حفظ موجودیت خود به جنگ نیاز دارد. همچنین به دنبال تسلط بر منطقه است. سوریه و عراق ضعیف شده‌اند. در این راستا، دولت اردوغان در امور داخلی کشورهایی که همسایه می‌خواند دخالت می‌کند و می‌خواهد موازنه‌های منطقه‌ای را به نفع خود تغییر دهد.

پیشروی حملات این گروه‌های سنی‌زمو بلافاصله پس از آن صورت می‌گیرد که آتش‌بس میان حزب‌الله لبنان و اسرائیل نهایی شد. در طول سال‌های اخیر، نیروهای حزب‌الله و همچنین گروه‌های تحت نظر جمهوری اسلامی مانند «لشکر فاطمیون» نقش مهمی در جلوگیری از پیشروی این گروه‌ها ایفا می‌کردند، اما در طول ماه‌های اخیر بخش قابل توجهی از تمرکز نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی متوجه جبهه لبنان شد.

ضمن این‌که در طول هفته‌های اخیر ارتش اسرائیل بارها مرز لبنان و سوریه را با هدف قطع ارتباط میان حزب‌الله و گروه‌های وابسته به جمهوری اسلامی در سوریه بمباران کرده بود تا بتواند راه ارتباطی میان بخش‌های مختلف جریان موسوم به «محور مقاومت» در منطقه را قطع کند.

از ابتدای جنگ داخلی در سوریه، ترکیه تلاش داشته که با حضور گسترده‌تر خود و نیروهای وابسته به این کشور، ضمن افزایش نفوذ منطقه‌ایش، تضعیف گروه‌های کرد را چه در خاک سوریه و چه در خاک خود پیش ببرد.



دولت اردوغان در طول سال‌های جنگ داخلی سوریه همچنین آشکارا خواستار کنار رفتن بشار اسد از قدرت بود و از گروه‌های مختلف سنی‌زمو در این کشور حمایت می‌کرد. اتفاقی که در نهایت با حضور نیروهای نظامی ایران و

همچنین حمایت‌های سربازان روس رخ نداد. با این حال ترکیه در این سال‌ها تلاش کرده که نفوذ خود را در سوریه تثبیت و چندین بار هم عملیات‌هایی را به صورت مستقیم در خاک سوریه انجام داده است.

تضعیف گروه‌های موسوم به «محور مقاومت» در منطقه از جمله نیروهای ایرانی در سوریه و همچنین حزب‌الله در لبنان سبب شده تا برخی از ناظران سیاسی استدلال کنند که فرصتی برای پیشبرد اهداف ترکیه در منطقه به ویژه در سوریه حاصل شود.

یکی از مراکزی که نیروهای نظامی جمهوری اسلامی ایران در سوریه حضور فعال دارند شهر حلب است، دومین شهر بزرگ سوریه که ارزش راهبردی برای جمهوری اسلامی دارد تا از طریق آن بتواند مسیر انتقال تسلیحات به حزب‌الله لبنان را تکمیل کند. با این حال در هفته‌های اخیر تمرکز گروه‌های نیابتی وابسته به جمهوری اسلامی بیش از همه متوجه درگیری‌های حزب‌الله لبنان با اسرائیل بود و در نتیجه فرصت چندانی برای مقابله با تهدید گروه‌های شورشی در سوریه پیدا نکردند.

در همین رابطه روز پنج‌شنبه هشتم آذر رسانه‌های وابسته به سپاه پاسداران تایید کردند که کیومرث حاج هاشمی که از فرماندهان و نیروهای مستشاری ایران در سوریه خوانده شده، در پی حملاتی به حومه حلب که سپاه پاسداران آن را «حمله تروریست‌های تکفیری و صهیونیستی» خوانده است، کشته شد.

در نتیجه می‌توان انتظار داشت با ضرباتی که گروه‌های شبه نظامی وابسته به جمهوری اسلامی در طول بیش از یکسال اخیر دیده‌اند، اوضاع برای حکومت ایران در سوریه نیز بدتر شود.

حتی پیش از حمله هفتم اکتبر و درگیر شدن اسرائیل با گروه‌های نیابتی وابسته به جمهوری اسلامی در منطقه، اسرائیل بارها اهدافی را که عموماً مربوط به محموله‌های تسلیحاتی یا انبارهای نظامی جمهوری اسلامی در سوریه بودند، مورد هدف قرار داده بود. اقداماتی که با هدف قطع کردن زنجیره انتقال تسلیحاتی شبه نظامیان در حزب‌الله و سرزمین‌های فلسطینی صورت گرفته بود. بعد از هفتم اکتبر اما اسرائیل اقدامات خود را گسترده‌تر کرد و در طول ماه‌های اخیر به صورت صریح بشار اسد را مورد خطاب قرار داد تا اجازه انتقال تسلیحات از سوی نیروهای جمهوری اسلامی را ندهد.

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، همچنین آخرین بار پس از برقراری آتش‌بس با حزب‌الله با لحنی تندتر اسد را تهدید کرد که «با آتش بازی می‌کند.» در نتیجه، برخی ناظران در منطقه استدلال می‌کنند که انجام این حملات و پیشروی نیروهای شورشی در خاک سوریه، بلافاصله پس از برقراری آتش‌بس با اسرائیل حتی اگر بدون هماهنگی کابینه بنیامین نتانیاهو بوده باشد، می‌تواند منافع اسرائیل را در منطقه تأمین کند.

یک هواپیمای ایرانی که مظنون به حمل سلاح برای گروه حزب‌الله در لبنان بود، توسط نیروی هوایی اسرائیل در آسمان سوریه در شب بین شنبه و یکشنبه (۱۰ و ۱۱ آذر ۱۴۰۳) متوقف شد.

به گزارش «تایمز اسرائیل»، جنگنده‌های نیروی هوایی اسرائیل این هواپیما را بر فراز سوریه رهگیری کرده و به آن دستور دادند که بازگردد. این هواپیما نیز پس از مدت کوتاهی بازگشت.

این حادثه اولین بار توسط سایت خبری «ynet» گزارش شد، هرچند این سایت تصویری از داده‌های پروازی یک هواپیمای دیگر متعلق به شرکت هواپیمایی «ماهان ایر» را که شنبه بعدازظهر در شهر ساحلی لاذقیه سوریه فرود آمد، نشان داد.

این رهگیری به‌عنوان بخشی از تلاش‌های اسرائیل برای جلوگیری از رسیدن سلاح‌های ایرانی به گروه حزب‌الله، در شرایطی که آتش‌بس میان اسرائیل و حزب‌الله برقرار است، صورت گرفت.

در ماه‌های اخیر، نیروهای دفاعی اسرائیل چندین پرواز ایرانی را که مظنون به حمل سلاح برای حزب‌الله بودند، مجبور کرده‌اند تا مسیر خود را در آسمان سوریه یا عراق تغییر دهند.

نیروهای دفاعی اسرائیل اعلام کرده‌اند که در طول آتش‌بس نیز به تلاش‌های خود برای جلوگیری از ارسال سلاح به حزب‌الله ادامه خواهند داد و حتی محموله‌های سلاح را در هر نقطه‌ای از لبنان یا سوریه، هدف قرار خواهند داد.

هفته گذشته، یک مقام ارشد نظامی اسرائیل گفت که ارتش نه تنها محموله‌های سلاح را هدف قرار خواهد داد، بلکه حکومت بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه، نیز به دلیل کمک به حزب‌الله بهای آن را خواهد پرداخت.

در ساعات پیش از آتش‌بس که اوایل صبح چهارشنبه ۲۷ نوامبر ۲۰۲۴ برقرار شد، نیروهای دفاعی اسرائیل حملاتی را به مسیرهای قاچاق حزب‌الله انجام دادند.

سه گذرگاه مرزی بین شمال لبنان و سوریه که به گفته ارتش اسرائیل توسط حزب‌الله برای قاچاق سلاح استفاده می‌شد، تخریب شدند. نیروهای دفاعی اسرائیل ارزیابی کردند که تعمیر این گذرگاه‌ها زمان‌بر خواهد بود و در این مدت، حزب‌الله مسیرهای محدودی برای انتقال سلاح در اختیار خواهد داشت که نظارت اسرائیل بر آن‌ها را آسان‌تر می‌کند.

روز شنبه و در جریان آتش‌بس، جنگنده‌های نیروی هوایی اسرائیل زیرساخت‌هایی را در نزدیکی گذرگاه‌های مرزی سوریه و لبنان هدف قرار دادند که به گفته نیروهای دفاعی اسرائیل، به‌صورت فعال توسط حزب‌الله برای انتقال سلاح استفاده می‌شدند.

به گفته نیروهای دفاعی اسرائیل، در سال‌های اخیر هزاران کامیون و صدها هواپیما، موشک و سایر قطعات برای حزب‌الله از ایران به سوریه و سپس به لبنان حمل کرده‌اند.

گزارش‌ها درباره حملات اسرائیل به محموله‌های سلاح حزب‌الله از اوایل سال ۲۰۱۳ منتشر شدند. اسرائیل به‌طور رسمی درباره این حملات سکوت کرده است تا از واکنش دمشق و متحدانش، با توجه به جنگ داخلی در سوریه، جلوگیری کند.

با این حال، در سال‌های اخیر اسرائیل به‌طور فزاینده‌ای درباره این حملات شفاف‌سازی کرده است. این عملیات بخشی از یک کارزار هوایی طولانی‌مدت بوده است که هدف آن جلوگیری از ایجاد جای پا برای ایران در نزدیکی مرز سوریه و اسرائیل است.



دیدار بشار اسد با علی خامنه‌ای در تهران، اسفند ۱۳۹۷

حضور نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جنگ داخلی سوریه و در حماسه از بشار اسد به‌دستور علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، و با فرماندهی قاسم سلیمانی، صورت گرفت و به‌گفته برخی کارشناسان «بزرگترین عملیات نظامی جمهوری اسلامی در خارج از مرزهایش» بود.

یک سند «سرّی» در زکرده از نهاد ریاست‌جمهوری ایران نشان می‌دهد از ۵۰ میلیارد دلار پولی که برآورد شده حکومت ایران در جنگ داخلی سوریه هزینه کرده است، تنها تکلیف بازپرداخت حدود ۱۸ میلیارد دلار مشخص شده، آن هم نه به صورت نقد بلکه در قالب پروژه‌ها و طرح‌هایی که نه توجیه فنی و اقتصادی آن‌ها مشخص است و نه ضمانت اجرایی دارند.

اسناد محرمانه‌ای که اردیبهشت امسال گروه «قیام تا سرنگونی»، نزدیک به سازمان مجاهدین خلق، منتشر کرد، نشان می‌داد بودجه‌ای که جمهوری اسلامی طی ۱۰ سال در جنگ داخلی سوریه هزینه کرده است، از «پنج‌جاه میلیارد دلار» فراتر می‌رود؛ اکنون این گروه سند دیگری را منتشر کرده که نشان می‌دهد طلب ایران از سوریه به‌سختی قابل بازگشت است.

سند جدید که مهر «سرّی» بر آن دیده می‌شود، گزارشی است با عنوان «تعیین تکلیف سرمایه‌گذاری ایران در سوریه و بازپرداخت بدهی‌ها» که معاونت هماهنگی و نظارت اقتصادی و زیربنایی معاون اول رئیس‌جمهور در بهمن ۱۴۰۱ تهیه کرده و بررسی آن نشان می‌دهد هیچ اطمینانی در مورد اجرای برخی پروژه‌های تعریف‌شده وجود ندارد. طبق این سند در زکرده که رادیوفردها به‌طور مستقل نمی‌تواند صحت اطلاعات آن را تایید کند، مطالبات ایران از سوریه به دو دسته تقسیم شده است: مطالبات نظامی و غیرنظامی.

در بخش مطالبات غیرنظامی، اعلام شده که ایران در مدت ۱۰ سال جنگ داخلی در سوریه علاوه بر صادرات نفت به این کشور، خطوط اعتباری و «سایر مبالغ پرداختی» به این کشور پرداخت کرده است. یعنی جمهوری اسلامی، علاوه بر نفت، پول نقد هم به دولت بشار اسد پرداخت کرده است.

در این گزارش تصریح شده که در نتیجه سندی که به امضای وزیر اقتصاد و تجارت سوریه و وزیر سابق راه و شهرسازی دولت ایران (رستم قاسمی) در مهرماه ۱۴۰۱ به امضاء رسیده، قرار است که طی یک جدول زمانی ۵۰ ساله حدود ۱۸ میلیارد دلار از بدهی‌های بخش غیرنظامی این کشور به ایران پرداخت شود.

رستم قاسمی، وزیر راه و شهرسازی دولت ابراهیم رئیسی که آذرماه ۱۴۰۱ بر اثر بیماری فوت کرد، در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ در دولت حسن روحانی وزیر نفت بود، پیش از آن در فاصله سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰ فرماندهی قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء را بر عهده داشت و قبل از آن هم به‌عنوان معاون اقتصادی نیروی قدس سپاه فعالیت می‌کرد.

از هشت پروژه لیست‌شده در این گزارش «سرّی» ریاست‌جمهوری، زمان اجرای سه پروژه مشخص نیست و دو پروژه هم هنوز قطعی نشده است. برای چهار پروژه دیگر هم قرار است ایران به میزان ۹۴۷ میلیون دلار هزینه کند تا بتواند بعد از ۵۰ سال طلب خود را از دولت سوریه دریافت کند.

برای مثال، در فهرست این پروژه‌ها که در سال ۲۰۱۵ بر سر آن‌ها توافق شده، معدن فسفاتی با ظرفیت ۰۵/۱ میلیارد تُن قرار دارد.

خاک فسفات ماده اولیه و ضروری در تولید کودهای شیمیایی است و ایران سالانه به ۵۳۰ هزار تن خاک فسفات در بخش کشاورزی نیاز دارد که بخشی از آن از طریق واردات تأمین می‌شود. طبق توافق انجام‌شده با دولت سوریه، قرار است ایران در این معدن با سرمایه‌گذاری ۱۲۵ میلیون دلاری که طی ۳ سال انجام خواهد شد، بخشی از طلب خود را طی ۵۰ سال دریافت کند.

این قرارداد ظاهراً از سال ۲۰۱۸ اجرایی شده و تا پایان بهمن ماه ۱۴۰۱ به میزان ۰۵/۲ میلیون تُن فسفات از این معدن برداشت شده است.

قرارداد «قطعی» دیگر، مربوط به بلوک نفتی ۲۱ حمص با ذخیره ۱۰۰ میلیون بشکه نفت است. نوع نفت این میدان مشخص نشده، اما در گزارش آمده است که ایران در این قرارداد ۳۰ ساله که از سال ۲۰۲۰ آغاز شده، قرار است ۳۰۰ میلیون دلار ظرف ۵ سال در این میدان نفتی سرمایه‌گذاری کند تا ۳ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار از بدهی‌های خود را از سوریه طی ۳۰ سال دریافت کند.

بلوک نفتی ۱۲ بوکمال دیگر قرارداد «قطعی» با دولت سوریه است؛ قراردادی با عمری ۳۰ ساله که براساس این گزارش هنوز اقدامی در مورد آن صورت نگرفته، اما پیش‌بینی شده است که با سرمایه‌گذاری ۳۰۰ میلیون دلاری ظرف ۵ سال مجموعاً ۳ میلیارد دلار در طول ۳۰ سال درآمد عاید ایران کند.

پروژه دیگر راه‌اندازی و بهره‌برداری اپراتور سوم تلفن همراه در سوریه است؛ پروژه‌ای که حتی زمان اجرای آن هم مشخص نیست و فقط اعلام شده که ایران قرار است ۲۲۲ میلیون دلار برای راه‌اندازی اپراتور سوم تلفن همراه در سوریه هزینه کند تا پس از گذشت ۳ سال این پروژه قابل بهره‌برداری باشد. مدت زمان بهره‌برداری ایران در این پروژه روی کاغذ ۲۰ سال اعلام شده و عایدی پیش‌بینی‌شده نیز یک و نیم میلیارد دلار اعلام شده است.

پنجمین پروژه لیست‌شده «پرداخت ۵ سال بخشی از عایدی بندر لاذقیه» است. براساس این سند و آن‌طور که در توافق صورت‌گرفته با دولت سوریه معلوم است، سهم ایران در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ دریافت شده و روند این پرداخت‌ها ظاهراً باید به مدت ۲۰ سال ادامه داشته باشد.

پروژه ششم مربوط به بندر حمیدیه است که تکلیف آن مشخص نیست و در این گزارش تنها گفته شده که پروژه در حال مذاکره است.

«پنج هزار هکتار زمین کشاورزی» عنوان پروژه هفتم مورد توافق بین دولت‌های ایران و سوریه است. در گزارش به معاون اول دولت جمهوری اسلامی تصریح شده که پیش‌نویس قرارداد این پروژه هنوز به امضا نرسیده است. این پروژه هم ظاهراً قرار است ظرف ۲۵ سال، ۲۵ میلیون دلار از بدهی‌های سوریه به ایران را پرداخت کند.

و سرانجام هفتمین پروژه که «گاو‌داری زاهد» نام دارد. زمان شروع بهره‌برداری این پروژه معلوم نیست، با این حال گفته شده که به‌واسطه آن قرار است ۷ میلیون دلار از مطالبات ایران از سوریه به مدت ۲۵ سال بازپرداخت شود.

در نهایت مجموع سرمایه‌گذاری مورد نیاز از سوی ایران برای این پروژه‌ها ۹۴۷ میلیون دلار اعلام شده که براساس برآورد این گزارش قرار است این سرمایه‌گذاری نهایتاً به تسویه ۱۷ میلیارد و ۹۳۲ میلیون دلار از بدهی‌های سوریه به ایران بینجامد.

قابل‌توجه‌ترین بخش این گزارش مربوط به «پیش‌بینی» دوره بازگشت دیون است که مدت آن ۱۰ دوره ۵ ساله اعلام شده است؛ یعنی پیش‌بینی شده که ۱۸ میلیارد دلار از بدهی‌های سوریه، پس از سرمایه‌گذاری ایران در این پروژه‌ها طی بازه‌های زمانی ۳ و ۵ ساله، طی ۵۰ سال به ایران پرداخت شود.

برای درک عمومی این مبالغ باید گفت که ۵۰ میلیارد دلار معادل ۱۵ درصد از کل تولید ناخالص داخلی ایران و معادل یک و نیم سال بودجه عمومی دولت است.

با این حال در ادامه گزارش تأکید می‌شود که «اصلی‌ترین پروژه‌ها» همین پروژه‌ها هستند؛ این بدان معناست که در بازسازی خرابه‌های و ویرانی‌های گسترده جنگ ۱۰ ساله داخلی سوریه، به‌رغم هزینه ۵۰ میلیارد دلاری حکومت ایران در دفاع از بشار اسد، تنها چند پروژه دست‌چندم به ایران اختصاص یافته است، آن هم پروژه‌هایی که برای بهره‌برداری از آن‌ها هم نیاز به سرمایه‌گذاری کلان و زمان‌بر است و هم با توجه به همین گزارش سرّی، ظرفیت قابل‌توجهی برای تسویه مطالبات ایران ندارند.

نکته مهمتر در این گزارش نامشخص بودن وضعیت ضمانت‌نامه برای پروژه‌هاست. در این گزارش که در مجموعه تحت مدیریت حمید پاداش، معاون محمد مخبر، تهیه شده، به صراحت اعلام می‌شود که ضمانت‌نامه‌های دولتی سوریه دارای اعتبار و مورد تایید نیست و بانک‌های سوریه هم امکان صدور ضمانت‌نامه ندارند.

بر اساس این سند، بانک‌های ایرانی هم به دلیل نداشتن روابط بانکی و ریسک بالای ضمانت‌نامه‌های صادرشده از سوی طرف سوریه امکان ارائه ضمانت‌نامه به فعالان اقتصادی بخش خصوصی برای فعالیت در سوریه را ندارند. این بدان معناست که ریسک کار برای بخش خصوصی ایران که به آن‌ها وعده سرمایه‌گذاری در سوریه داده می‌شود، بالاست و تنها دولت و قرارگاه خاتم‌الانبیاء می‌توانند ریسک چنین پروژه‌هایی را بپذیرند.

این سند همچنین تصریح می‌کند که «قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء»، شاخه اقتصادی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، قرار است پیگیر دریافت مطالبات اقتصادی از سوریه باشد.

بخش دوم مطالبات ایران از سوریه در گزارش «سری» معاون اول ریاست‌جمهوری مربوط به مطالبات نظامی است. در این گزارش صراحتاً گفته شده که هیچ اطلاعی از عدد و رقم بدهی‌های سوریه به بخش نظامی ایران در دسترس نیست.

این گزارش تاکید می‌کند: «مطالبات در بخش نظامی، علاوه بر این‌که از سوی دولت سوریه دارای ملاحظات فراوان است، توسط دستگاه‌های داخلی هم هنوز نهایی نشده و عدد مشخصی قابل استناد نیست.»

در باره این «ملاحظات» که می‌تواند به وجود اختلاف‌نظر میان دو طرف مربوط باشد، توضیحی داده نشده، ضمن آن‌که مسئولیت پیگیری مطالبات نظامی هم به نیروی سپاه قدس محول شده است.

بررسی قوانین بودجه ۱۰ سال گذشته ایران نشان می‌دهد که بخشی از منابع مورد نیاز بخش نظامی نیروی قدس سپاه در بودجه‌های سالانه در ردیفی تحت عنوان «نور ربیع» تعریف شده است.

این ردیف بودجه تنها در فاصله سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰ در بودجه سالانه ایران قابل تشخیص است و در بودجه سال‌های قبل و بعد از این تاریخ در بخش‌های دیگر بودجه سپاه پاسداران تجمیع شده است.

در ۱۰ سال نخست جنگ داخلی سوریه که نیروی قدس سپاه پاسداران نیز در آن مشارکت داشت، بر اساس گزارش سازمان ملل، «بیش از ۳۰۷ هزار غیرنظامی» کشته شدند. این جنگ همچنین ۱۲ میلیون آواره بر جای گذاشت و در نتیجه ویرانی شهرها، بنیان‌های اقتصادی این کشور تخریب شد و بر اساس برخی گزارش‌ها حدود ۸۰ درصد جمعیت این کشور به زیر خط فقر سقوط کرد.

با این حال، پیروزی نظامی و نیمه‌کاره حکومت اسد در جنگ داخلی سوریه برای ایران هم البته نتیجه مطلوبی نداشت، چه آن‌که حالا مشخص شده که ۵۰ سال طول می‌کشد تا بخشی از ۵۰ میلیارد دلار ثروت عمومی ایران که می‌توانست زیربنای توسعه ایران باشد، به کشور بازگردد و همین مقدار هم نه به قطع و یقین که با اما و اگرهایی که در همین سند در مورد آن‌ها توضیح داده شده است.

شاید قابل اکتاترین رقم، برآورد دفتر نماینده سازمان ملل در امور سوریه، استقفا دی میستورا باشد. جسی شاهین سخنگوی این دفتر گفته برآورد سازمان ملل این است که ایران به طور متوسط "سالی ۶ میلیارد دلار" (معادل ۲۲ هزار میلیارد تومان با نرخ دلار بانک مرکزی) در سوریه هزینه می‌کند.

برای مقایسه، این برآورد به معنی آن است که ایران، سالانه حدوداً به اندازه نصف بودجه پرداختی یارانه‌های نقدی به سوریه کمک کرده است. اگر ایران این رقم را به صورت منظم در شش سال جنگ داخلی سوریه هزینه کرده باشد، به معنی پرداخت ۳۶ میلیارد دلار است. این رقم، حدود سه برابر بودجه دفاعی سالانه ایران است.

یکی دیگر از عده‌های مطرح شده، برآورد ندیم شهادی، استاد اقتصاد در دانشگاه تافتس در ماساچوست آمریکا است. شهادی برآورد کرده است که ایران در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳، یعنی زمانی که حکومت بشار اسد تقریباً تمام منابع درآمد خود را از دست داده بود، بین ۱۴ تا ۱۵ میلیارد دلار به سوریه کمک کرده است.

آقای شهادی به بی‌بی‌سی فارسی گفته است که به دلیل به گفته او "ورود گروه‌های متعدد که تحت حمایت مالی سپاه پاسداران ایران هستند، از جمله گروه‌هایی از عراق و افغانستان، برآورد هزینه‌های ایران در سال‌های بعد از ۲۰۱۳ میلادی بسیار دشوار است." اما برآورد آقای شهادی به عددی که سازمان ملل متحد اعلام کرده (سالی حدود ۶ میلیارد دلار) نزدیک است.

در مورد هزینه نیروهایی که ایران به سوریه فرستاده است، پارسال نیویورک تایمز گزارشی منتشر کرد و به نقل از یکی از نیروهای افغان که از طریق سپاه فاطمیون به سوریه رفته بود، مبلغ دستمزد ماهانه این نیروها را ۸۰۰ دلار اعلام کرده بود. منابع دیگر هم مبلغ‌هایی حدود این را تأیید می‌کنند. با این حساب اگر تعداد این نیروها آن طور که اسرائیل برآورد می‌کند، ۱۰ هزار نفر باشد، هزینه سالانه تنها پرداخت دستمزد آن‌ها برای ایران حدود ۱۰۰ میلیون دلار خواهد بود، با این تأکید که این رقم تنها یک برآورد است.

حسنت‌الله فلاح‌پیشه، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، در اظهاراتی کم‌سابقه اعلام کرد که در یک دهه گذشته جمهوری اسلامی حدود «۳۰ میلیارد دلار» در سوریه هزینه کرده است.

اظهارات این نماینده مجلس که وبسایت اعتمادآنلاین تاریخ انتشار آن را ۱۷ اسفند ۹۸ درج کرده، روز چهارشنبه، ۳۱ اردیبهشت، به عنوان تیتر نخست این وبسایت منتشر شده است.

حسنت‌الله فلاح‌پیشه در اظهاراتی که پیش از این از سوی هیچ مقام رسمی مطرح نشده بود، به صراحت گفته است که «ما شاید ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلار به سوریه پول دادیم و باید از سوریه پس بگیریم. پول این ملت آنجا هزینه شده است.»



سفر با عجله عباس عراقچی، وزیر خارجه جمهوری اسلامی به دمشق و دیدار با بشار اسد، عکس: Syrian

Presidency Telegram page/dpa/picture alliance

خاورمیانه امروز در طول تاریخ به‌عنوان یکی از شاهراه‌های سیاسی و اقتصادی جهان مطرح بوده است. یکی از عواملی که بر تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خاورمیانه تأثیر بسیار زیادی به جای نهاد، کشف نفت بود که به «طلای سیاه» معروف شد. این مایع حیاتی موجب تغییرات وسیع سیاسی - اجتماعی و صنعتی شدن و وابستگی شدید دولت‌های منطقه به درآمد آن شد. از سوی دیگر، به خاطر وابستگی شدید صنایع غرب به نفت، موجبات ایجاد روابط تنگاتنگ بین کشورهای منطقه با سایر نقاط دنیا را فراهم آورد. منطقه نفت‌خیز و در عین حال بحران‌زا نقش مهمی در برقراری جنگ و صلح و تامین مایحتاج صنایع غرب بازی می‌کند و در واقع با موقعیت استراتژیکی که دارد، به یکی

از بزرگترین بازیگران عرصه بین‌الملل تبدیل شده است. در نتیجه این طلای سیاه نه به خوشبختی و رفاه مردم این منطقه، بلکه به مصیبت و جنگ و بحران و فلاکت این مردم تبدیل شده است و دولت‌های مستبد و فاشیسم مذهبی و ملیتاریستی و ناسیونالیستی با اتکا به منابع نفت و بی‌نیاز از مردم قدرت را در دست گرفته‌اند.

همین امر باعث شد تا سایر قدرت‌های جهانی به سرنوشت این منطقه علاقمند گردند و میزان این علاقه روزبه‌روز به‌صورت تصاعدی رو به فزونی است و بی‌دلیل نیست که خاورمیانه را منطقه تصادم منافع دولت‌ها می‌دانند. با توجه مختصر توضیحی که درباره خاورمیانه مطرح شد، مناسب‌تر دیدیم تا پیامد و تأثیر نفت بر سیاست و مسائل اجتماعی و فرهنگی منطقه را از زبان یکی از پژوهشگران مسائل خاورمیانه جويا شویم. دکتر کیهان برزگر استاد دانشگاه و پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام و مطالعات خاورمیانه، پاسخ‌گوی سئوالات ما در این مورد بودند.

بعد از ۱۱ سپتامبر و همچنین جنبش عظیم مردمی کشورهای عربی موسوم به «بهار عربی»، حتی دموکراتیک‌ترین کشورهای اروپایی نیز به سیاست‌های دیکتاتوری و زورگویی روی آورده‌اند. جنگ روسیه و اوکراین و جنگ اسرائیل، روی دست جنگ‌های لیبی، کشورهای آفریقایی، عراق، افغانستان، سوریه و... بلند شده‌اند و تأثیر خود را در روابط و مناسبات اقتصادی و سیاسی و نظامی گذاشته‌اند. در غزه تخریب گسترده غزه و قتل‌عام فلسطینیان بی‌گناه و همچنین لبنان، حمله به مناطق مسکونی و کشتار غیرنظامیان در لبنان، تخریب زیر ساخت‌های یمن و سوریه، همه در راستای اهداف حکومت‌های دیکتاتوری منطقه و حامیان غربی آن‌ها همچون فرانسه، آلمان، آمریکا، انگلیس و دیگران انجام شده است و هیچ انسان آگاهی نمی‌تواند بپذیرد که نتایج بی‌توجهی به خواست و اراده حامیان‌شان مرتکب این جنایات می‌شود و از سوی دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) تحت تعقیب قرار می‌گیرد.

روز پنج‌شنبه اول آذر ۱۴۰۳ حکم بازداشت بین‌المللی نتانیاها نخست‌وزیر و گالاتت وزیر دفاع سابق اسرائیل را به اتهام جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت صادر کرد. اما با کمال وقاحت دولت آمریکا و اسرائیل این حکم را محکوم کرده‌اند و حتی ترامپ نیز این حکم را محکوم کرده است و فراتر از آن، امانوئل مکرون رئیس‌جمهوری فرانسه و ویکتور اوربان نخست‌وزیر مجارستان، بی‌شرمانه از نتانیاها دعوت کرده‌اند بدون هیچ واهمه‌ای می‌توان دبه کشورهای آن‌ها سفر کند. اما هر انسان آگاه و انسان‌دوستی می‌داند که اگر رهبران غربی و در راس همه دولت آمریکا، ذره‌ای صادق بودند با قطع کمک به اسرائیل می‌توانستند به سادگی جنگ و ویرانی و کشتار و آوارگی مردم بی‌گناه فلسطین را متوقف کنند.

تحولات اخیر در سوریه بار دیگر بر پیچیدگی بحران این کشور و تأثیرات عمیق آن بر امنیت و ثبات منطقه‌ای تأکید دارد. حمله گسترده شورشیان به نیروهای دولتی در استان حلب و تصرف مواضع استراتژیک نشان‌دهنده استمرار تنش‌ها و تقسیم‌بندی‌های عمیق سیاسی و نظامی در این کشور است. در حالی که ائتلاف‌های مخالفان به دنبال تقویت موقعیت خود هستند، نقش بازیگران خارجی همچون روسیه، ترکیه، جمهوری اسلامی، اسرائیل و ایالات متحده در شکل‌دهی به تحولات میدانی و سیاسی سوریه همچنان حیاتی است. علاوه بر این، وجود گروه‌های متعدد با ایدئولوژی‌های متنوع، از اسلام‌گرایان تا ملی‌گرایان سکولار، تداوم حکمرانی اسد با اتکا بر سرکوب و بگیروبند به همراه مداخلات نیابتی قدرت‌های بین‌المللی، برقراری صلح و یکپارچگی در سوریه را دشوارتر کرده است. در نهایت، بازگشت درگیری‌ها در مقیاس گسترده، حاکی از این است که بحران سوریه نه‌تنها حل نشده بلکه اکنون به شکلی پیچیده‌تر در تحول است.

جنگ داخلی سوریه همچون زخمی می‌ماند که از هر از چند گاه سر باز می‌کند. درگیری‌های خونبار در این کشور طی ۱۲ سال گذشته جان نیم میلیون نفر را گرفته است. نزدیک به هفت میلیون نفر از سوری‌ها در پی آغاز جنگ داخلی از کشورشان گریختند. موجی که باعث شد در اروپا احزاب مخالف پناهنجویان و مهاجران با گرایش راست افراطی قدرت بگیرند.

طبیعی است که چنین جنگی با این سابقه خون‌بار را نمی‌توان به راحتی تمام شده فرض کرد. این در حالی است که آمریکا و اسرائیل هر از چند گاه حملاتی را علیه مواضع شبه‌نظامیان متحد ایران در سوریه انجام داده‌اند. آمریکا همچنان حدود ۹۰۰ نظامی در خاک سوریه دارد. در این میان ترکیه یکی از بازیگران کلیدی در جنگ داخلی سوریه نفوذ خود بر مخالفان اسلامگرای بشار اسد را حفظ کرده است.

چارلز لیستر، تحلیلگر امور سوریه در مورد رویدادهای ۷۲ ساعت اخیر در سوریه می‌گوید که این درگیری‌ها ظرفیت این را که جنبه‌ای تعیین‌کننده پیدا کنند دارند به ویژه این‌که ممکن است نیروهای هوادار حکومت سوریه نتوانند در برابر شورشیان و مخالفان تاب بیاورند.

در این میان چارلز لیستر خاطر نشان می‌کند که این خطر را نیز باید در نظر داشت که گروه داعش نیز ممکن است شرایط کنونی را فرصتی برای عرض اندام خود ببیند.

از سوی دیگر پیشروی مخالفان حکومت سوریه ممکن است بار دیگر ترکیه و روسیه را مانند سال‌های اولیه جنگ داخلی سوریه وارد میدان نبرد در این کشور کند. این در حالی است که ترکیه عضو ناتو است و روسیه در جبهه‌ای دیگر خاک اوکراین را اشغال کرده است تا مانع از پیوستن آن به ناتو شود.

شهر حلب قرن‌ها گذرگاهی تجاری بین غرب و شرق بوده است و از جمله مراکز فرهنگی مهم سوریه محسوب می‌شود. پیش از آغاز جنگ داخلی سوریه حدود دو میلیون و ۳۰۰ هزار نفر در حلب ساکن بودند. شورشیان مخالف بشار اسد در سال ۲۰۱۲ توانستند بخش شرقی شهر را تصرف کنند. این در حالی است که چهار سال بعد نیروهای وفادار به بشار اسد حلب را برای چند هفته محاصره کردند.

حملات سنگین هواداران حکومت سوریه به حلب به ویژه نیروهای جمهوری اسلامی ایران، از این شهر ویرانه‌ای ساخت که در نهایت به دست آنها سقوط کرد. شورشیان که تحت محاصره از گرسنگی رنج می‌بردند چاره‌ای جز ترک شهر نداشتند. جنگ داخلی سوریه از سال ۲۰۱۱ آغاز شد، زمانی که دولت اسد اعتراضات مسالمت‌آمیز علیه حکومت را با خشونت سرکوب کرد. این جنگ تاکنون نیم میلیون کشته و میلیون‌ها آواره بر جای گذاشته است.

با حمایت روسیه و جمهوری اسلامی ایران، دولت سوریه از سال ۲۰۱۵ توانست کنترل بخش‌های وسیعی از کشور را بازپس گیرد. شهر حلب نیز در سال ۲۰۱۶ با کمک حملات هوایی گسترده روسیه به کنترل نیروهای دولتی بازگشت. در شمال سوریه، یک آتش‌بس که در سال ۲۰۲۰ با میانجیگری ترکیه و روسیه برقرار شد، به‌رغم نقض‌های متعدد، به آرامش نسبی منطقه کمک کرده بود.

با توجه به نکات فوق، موثرترین و شاید تنها راه برون رفت از معضلات کنونی و ممانعت از تحقق اهداف ضد بشری نظام سلطه، افزایش آگاهی سیاسی و بیداری افکار عمومی و اتحاد جنبش‌های اجتماعی منطقه و سایر کشورهای مترقی، صرف نظر از ملیت، زبان و مذهب‌شان (غربی، عرب، ترک، فارس، کرد، افغان و غیره) است.

دوشنبه دوازدهم آذر- قوس- ۱۴۰۳- دوم دسمبر ۲۰۲۴